

گیلان فردا - شماره ۲۴ - مرداد ۱۴۰۵

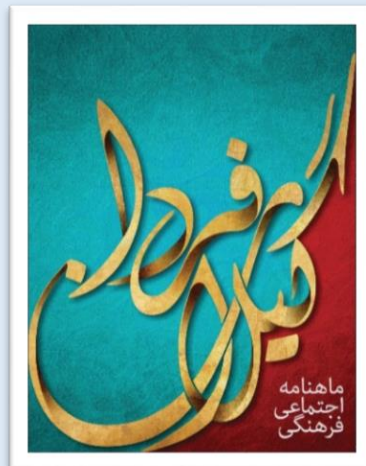
اولویت های گیلان روی میز رئیس جمهور

رسانه ها؛ مطالبه گر پیشرفت گیلان

روایت روستاهای سبز گیلان

توسعه محصول اثربخش در چرخه علم و فناوری

احیای تالاب عینک



رسانه اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا

(شماره ۲۴)

مرداد ۱۴۰۵

فهرست:

- اولویت های گیلان روی میز رئیس جمهور
- هنر؛ نیاز فرهنگی یا کالای لوکس؟
- بذری که «ابراهیم پورداود» از بیروت آورد
- نوروزیل؛ آغاز سالی به رنگ فرهنگ گیلان
- رسانه ها مطالبه گر پیشرفت گیلان
- نقش هنر در کاهش خشونت و افزایش همدلی
- روایت روستاهای سبز گیلان
- توسعه محصول اثربخش در چرخه علم و فناوری
- احیای تالاب عینک

عکس روی جلد: گیلان فردا (بندرانزلی)

عکس پشت جلد: گیلان فردا (رشت)



دوره جدید مجله اجتماعی-فرهنگی گیلان فردا (آفلاین)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه (شهلا) ابراهیم زاده اصلی

دارای مجوز به شماره ۷۴۷۳۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پشتیبان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر از همکاران گروه تحریریه

Guilanfarda.ir

«مسئولیت محتوای مطالب ارسالی به عهده صاحبان و ارسال

کنندگان آثار است».

بررسی پروژه های مهم گیلان با حضور استاندار در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان

اولویت های گیلان روی میز رئیس جمهور



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی - گیلان چه می خواهد؟ می گویند گیلان سرزمین ظرفیت ها است. اما استان مطالباتی دارد که هنوز محقق نشده و پشت سرسبزی پنهان مانده است! سفر رئیس جمهور، فرصتی برای گشودن گره های توسعه گیلان است. امید که نگاه دولت به گیلان سرشار از گشایش و تحقق وعده های بجا مانده از سال های قبل باشد. چون گیلان برای توسعه، دیگر منتظر وعده نیست، بلکه عمل می خواهد. اما برآستی کلید توسعه گیلان در عملیاتی کردن کدام پروژه ها است؟

پس از برگزاری جلسات مستمر و پی در پی با مدیران و معاونان دستگاه های اجرایی که طی روزهای اخیر به همت سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان برگزار شد، شامگاه چهارشنبه (۷ مرداد) در راستای آماده سازی دقیق تر بسته پیشنهادی برای سفر آتی رئیس جمهور به گیلان، جلسه جمع بندی پروژه های طرح های عمرانی، با اولویت در اجرا و اثر بخشی در زندگی مردم، با حضور مهندس علیرضا نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، معاونین و روسای گروه و مدیران دستگاه های اجرایی در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان برگزار شد. دکتر هادی حق شناس، استاندار گیلان و معاونان استاندار مهمانان ویژه این جلسه بودند.

حضور رئیس جمهور و هیات دولت در گیلان یک فرصت طلایی برای جبران عقب ماندگی استان

استاندار گیلان پس از استماع گزارشات و موضوعات ارایه شده با تاکید بر اینکه در سفر رئیس جمهور محترم و هیات محترم وزیران به گیلان، وضعیت و ضرورت چند پروژه بزرگ استان طرح موضوع شود، گفت: استان گیلان به رغم داشتن ظرفیت های بی نظیر و بالقوه، هنوز به پیشرفت و توسعه ای که شایستگی اش را دارد نرسیده است.

وی حضور رئیس جمهور و هیات وزیران در استان را فرصت مغتنم و طلایی برای گشایش گره های توسعه استان برشمرد و افزود: در این سفر می توان تصویر شفاف تر و واقعی تری از مشکلات و مسایل استان را ارایه داد.

دکتر حق شناس مسایلی از جمله وضعیت راه های استان، کنارگذر تالش و خطبه سرا، دو بانده کردن کنارگذر پل انزلی، تکمیل شش کیلومتر باقیمانده از آزاد راه قزوین-رشت، راه آهن خمام به انزلی، تقاطع غیرهمسطح شهید املاکی و ... را نمونه هایی از پروژه های مهم در بخش راه های استان برشمرد.

استاندار گیلان در این جلسه بر ضرورت پیگیری جدی پروژه های زیربنایی در حوزه های راه، آب، فاضلاب، راه آهن، پسماند و فرودگاه رشت نیز تاکید کرد تا در سفر آتی دولت، شاهد تحولات ملموس در استان باشیم.



گام نهایی از اتاق مدیریت به میز استانداری و ریاست جمهوری

در حاشیه این نشست چند ساعته مهندس نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان از طی شدن مراحل حساس و تخصصی تدوین بسته پیشنهادی سفر رئیس جمهور خبر داد.

وی در گفت و گو با خبرنگار واحد روابط عمومی سازمان، اظهار کرد: پس از روزها بررسی های کارشناسی در حوزه های راه، درمان، لجستیک، منابع طبیعی و کشاورزی، اکنون وارد مرحله تبیین و جمع بندی نهایی هستیم. هدف ما این است که بر اساس نیاز واقعی استان، تنها پروژه هایی را پیشنهاد دهیم که قدرت تحول آفرینی در اقتصاد و زیرساخت های گیلان را دارند.

وی افزود: سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان با همکاری تمامی مدیران ارشد دستگاه های اجرایی، در حال نهایی کردن این مستندات است تا در اسرع وقت در اختیار استاندار محترم قرار گیرد. امید است با نگاه مساعد دولت، شاهد تغییر و تحول مثبت در زندگی مردم گیلان باشیم .

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان با بیان اینکه نتایج این جلسات تخصصی اکنون در مرحله جمع بندی نهایی قرار دارد، گفت: پروژه های منتخب پس از تایید نهایی در شورای برنامه ریزی و توسعه استان، محضر جناب استاندار گیلان تقدیم خواهد شد تا در صورت صلاحدید ایشان، به عنوان «بسته راهبردی توسعه گیلان» در سفر آتی رئیس جمهور محترم به استان، به دولت ارایه و برای اجرا درخواست شود.

لازم به ذکر است در ابتدای این جلسه، مهندس غراوی، معاون امور عمرانی استاندار گیلان گزارشی که ماحصل جمع‌بندی و انتخاب اولیه طرح‌ها و پروژه‌های مطرح شده در جلسات کارشناسی با دستگاه‌های اجرایی بود را ارائه کرد. از جمله عناوین پروژه‌هایی در بخش‌های راه، آب، فاضلاب، برق، گاز، میراث فرهنگی، علوم پزشکی، جهاد کشاورزی، پسماند، راه آهن و ... که در صورت تکمیل و تجهیز یا احداث اثربخشی بیشتری در زندگی مردم خواهند داشت، به نظر استاندار رسید.

چند نمونه از پروژه‌های اولویت‌دار استان

در جلسه تخصصی بررسی پروژه‌های پیوست یک (طرح‌های عمرانی) که با هدف ارتقای کیفیت زندگی مردم در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان برگزار شد، فهرست پروژه‌های «پیشران و تحول‌آفرین» شناسایی گردید.

در این نشست، پروژه‌های زیر به عنوان اولویت‌های اجرایی جهت ارائه در سفر ریاست جمهوری مطرح شدند:

–بخش حمل و نقل: تکمیل آزادراه قزوین-رشت، کنارگذر تالش و خطبه سرا، دو بانده کردن کنارگذر پل انزلی و توسعه خط آهن خمام به انزلی

–بخش زیرساخت: پروژه‌های حیاتی در حوزه آب و فاضلاب، مدیریت پسماند، شبکه برق و گاز

–بخش خدمات: توسعه فرودگاه رشت و پروژه‌های سلامت در حوزه پزشکی





هنر؛ نیاز فرهنگی یا کالای لوکس؟

گیلان فردا، سازان فرزانه- در روزگار کنونی که عموم مردم به سختی درگیر تامین معیشت روزمره هستند شاید صحبت از هنر به عنوان یک نیاز کمی دور از ذهن به نظر آید. از طرف دیگر وقتی صحبت از هنر به میان می‌آید، شاید نخستین تصویرهایی که در ذهن شکل می‌گیرد، گالری‌های شیک، تابلوهای گران قیمت، سالن‌های کنسرت، نمایش‌های تئاتر یا خانه‌هایی باشد که دیوارهایشان با آثار هنری تزئین شده است. همین تصویر، گاهی این تصور را ایجاد می‌کند که هنر متعلق به گروه خاصی از جامعه است؛ کسانی که وقت و پول بیشتری دارند و می‌توانند برای تماشای یک نمایش، خرید یک تابلو یا حضور در یک کنسرت هزینه کنند.

اما آیا هنر واقعاً یک کالای لوکس است؟ آیا جامعه‌ای که با مشکلات اقتصادی، دغدغه‌های معیشتی و مسائل اجتماعی مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند هنر را در فهرست نیازهای خود قرار دهد؟ یا هنر چیزی است که باید پس از تامین همه نیازهای ضروری زندگی به سراغ آن رفت؟

پاسخ شاید در تعریف ما از «نیاز» نهفته باشد.

اگر نیاز را فقط در خورد و خوراک، مسکن، پوشاک و دیگر ضرورت‌های مادی خلاصه کنیم، طبیعتاً هنر در جایگاه یک نیاز ضروری قرار نمی‌گیرد. انسان برای زنده ماندن به نقاشی، موسیقی یا تئاتر احتیاج ندارد. اما انسان فقط برای زنده ماندن زندگی نمی‌کند. او به معنا، زیبایی، ارتباط، تخیل، امید و امکان بیان احساسات خود نیز نیاز دارد. درست در همین نقطه است که هنر از یک کالای تجملی فاصله می‌گیرد و به یک نیاز فرهنگی تبدیل می‌شود.

انسان از زمانی که توانست احساسات و اندیشه‌های خود را در قالب تصویر، صدا، حرکت و کلمه بیان کند، با هنر همراه بوده است. نقاشی‌های روی دیواره غارهای هزاران سال پیش، شعرها و موسیقی‌های کهن و معماری بناهای تاریخی، همه نشان می‌دهند که هنر بخشی از زندگی انسان بوده است؛ نه چیزی که تنها پس از تامین سایر نیازها به وجود آمده باشد.

هنر به انسان کمک می‌کند جهان را فقط آن‌گونه که هست نبیند، بلکه آن‌گونه که می‌تواند باشد نیز تصور کند. یک داستان می‌تواند ما را با زندگی انسانی آشنا کند که هرگز او را ندیده‌ایم. یک قطعه موسیقی می‌تواند احساسی را در ما زنده کند که

شاید نتوانیم با کلمات بیانش کنیم. یک نقاشی می‌تواند نگاه ما را به یک منظره معمولی تغییر دهد. هنر در حقیقت به زندگی روزمره معنا و عمق می‌بخشد.

از سوی دیگر، هنر فقط برای مخاطب نیست؛ برای جامعه نیز کارکرد دارد. جامعه‌ای که در آن سینما، تئاتر، موسیقی، ادبیات، نقاشی و دیگر شاخه‌های هنری مجال رشد دارند، فرصت بیشتری برای گفت‌وگو و بیان مسائل اجتماعی پیدا می‌کند. بسیاری از موضوعاتی که شاید نتوان درباره آن‌ها مستقیماً سخن گفت، می‌توانند از مسیر هنر مطرح شوند و مخاطب را به فکر وا دارند.

هنر همچنین می‌تواند پلی میان نسل‌ها باشد. یک قطعه موسیقی محلی، یک صنایع دستی، یک معماری بومی یا یک داستان قدیمی، بخشی از حافظه جمعی یک جامعه است. اگر این آثار فراموش شوند، تنها چند اثر هنری از میان نرفته‌اند؛ بخشی از هویت فرهنگی جامعه نیز کمرنگ شده است.

به بیان دیگر هنر نه صرفاً کالای لوکس است و نه پدیده‌ای که بتوان ارزش اقتصادی آن را نادیده گرفت. هنر، پیش از هر چیز، بخشی از زندگی فرهنگی انسان است؛ نیازی برای معنا بخشیدن به زندگی و ابزاری برای شناخت بهتر خود و جهان پیرامون.

شاید بهتر باشد به جای اینکه بپرسیم «هنر نیاز است یا کالای لوکس؟» سؤال دیگری مطرح کنیم: چه کنیم که هنر، با وجود ارزش اقتصادی خود، از دسترس مردم خارج نشود؟

پاسخ به این پرسش می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری فرهنگی، آموزش، اقتصاد هنر و حتی نگاه ما به زندگی را تغییر دهد. جامعه‌ای که هنر را در دسترس مردم قرار می‌دهد، در حقیقت روی خلاقیت، هویت، امید و آینده خود سرمایه‌گذاری می‌کند.

هنر شاید نان روی سفره نباشد، اما می‌تواند به زندگی معنا بدهد؛ و زندگی بدون معنا، حتی اگر از بسیاری از امکانات مادی برخوردار باشد، چیزی کم دارد.



آغاز کشت بادام زمینی در گیلان

بذری که «ابراهیم پورداود» از بیروت آورد



«الله وردی وطن آبادی» در گیلان به عنوان پدر باغداری گیلان معرفی می‌شود. بخشی از باغ الله وردی هنوز در میانه خیابان معلم رشت باقی مانده و اکنون تنها گل و گیاهان زینتی را پرورش می‌دهد. الله وردی که مادرش تبار گرجی و پدرش از اهالی رودباری بود، در کودکی همراه یک تاجر به بادکوبه آن روز (باکوی امروزی) می‌رود و تقریباً در میانه عمر از کشور آذربایجان فعلی به گیلان بازمی‌گردد و نخستین بار بخشی از زمین‌های انتهایی خیابان استادسرای فعلی در رشت را تسطیح و باغی بزرگی را در سال ۱۳۹۴ خورشیدی دایر می‌کند، باغی که بخش اعظم آن به واسطه احداث بلوار معلم از بین رفت.

بر اساس مقاله «نگاهی به تاریخچه باغ وطن آبادی و باغ‌های دیگر رشت» منتشر شده در دوماهنامه گیله‌وا، محمدعلی وطن آبادی، فرزند الله وردی وطن آبادی در مصاحبه‌ای گفته بود: پدرم محصولاتی همچون توت فرنگی، کنگر فرنگی و بادام زمینی را با خود به ایران آورد که تا آن زمان مردم گیلان با آن بیگانه بودند.

اما وقتی منابع دیگر را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم استاد ابراهیم پورداود که او را نه باغدار که نخستین مفسر

گیلان فردا- برخلاف برخی منابع که کشت بادام زمینی را به «الله وردی وطن آبادی» نسبت می‌دهند، نخستین بار بذری این دانه روغنی توسط استاد «ابراهیم پورداود» از لبنان وارد گیلان شد و در مزارع پدرش در روستای «آتشگاه» پرورش یافت.

اکنون مزارع آبرفتی و ماسه‌ای شهرستان آستانه اشرفیه، یکی از مهمترین مراکز تولید بادام زمینی در گیلان است. به‌زودی برداشت بادام زمینی در مزارع گیلان آغاز می‌شود و کشاورزان، پیله‌های تر بادام زمینی را در حاشیه باغ و یا بر آسفالت داغ خیابان پهن می‌کنند تا خشک شود.

«پسته شامی، بادام زمینی و بادام کوهی» نام‌های متفاوت گیاهی است که خاستگاه آن را آمریکای جنوبی نوشته‌اند. بعدها کشت این دانه روغنی به دیگر نقاط دنیا رسید. در ایران نیز دشت مغان و شهرستان آستانه اشرفیه در گیلان، یکی از مهمترین مراکز کشت بادام زمینی است. بیش از ۱۰۰ سال از کشت بادام زمینی در گیلان می‌گذرد، ولی کمتر کسی می‌داند نخستین بار چه کسی بذری آن را به گیلان وارد کرد و در کدام منطقه پرورش داد.

اوستا و دانش آموخته زبان‌های ایران باستان می‌شناسیم، چند سال قبل از الله رودی وطن آبادی، بذر بادام زمینی را به گیلان آورده است.

«ابراهیم پورداود»، یکی از پسران «حاجی داود»، از متمکین و محترمین رشت در دوره قاجار بود. اگرچه بیشتر منابع حاجی داود را ملاک بزرگی معرفی می‌کنند اما نقش او به عنوان یکی از اعضای انجمن بلدیه رشت و اختصاص املاکش برای تاسیس مدارس نوین را نباید نادیده گرفت. هم او بود که نخستین بار، بخشی از حیاط خانه خود را در محله سبزه میدان با کاربری آموزش اختصاص داد تا به سیاق آن روز مکتب‌خانه پسران خود و کودکان محله باشد. همان مکتب خانه‌ای که بعدها آرامگاه خانوادگی حاجی داود و پسرانش شد.

جهانگیر سرتیپ‌پور در کتاب «نامها و نامدارهای گیلان» می‌نویسد: «تامش ابراهیم پدرش حاجی داود از متحرمان رشت بود. در پانزدهم اسفند سال ۱۲۶۴ هجری شمسی در محله سبزه میدان رشت پا به عرصه وجود گذاشت. در کودکی شاگرد مکتب ملا محمدعلی نامی بود که حاجی داود ده‌ای در اختیارش گذاشت؛ پورداود بعداً در جرگه طلاب مدرسه حاج حسن که در صالح آباد رشت «بازارچه سبزه میدان» قرار دارد، درآمد. پس از چندی به تهران رفت و در مجلس درس میرزا محمد حسین‌خان معروف به سلطان الفلاسفه به تحصیل علم پزشکی مشغول شد. از آنجا به بیروت عزیمت کرد. به سال ۱۲۸۷ ه. ش در مدرسه

(منبع: ایسنا- مهری شیر محمدی)

«لایک» بیروت نام نوشت، بعد از دو سال به رشت بازگشت. در مراجعه مقداری بذر بادام زمینی با خود آورد و در ملک شخصی پدرش به نام «آتشگاه» مجاور شهر رشت کاشت که به محصول نشست و بعدها کشت آن در گیلان متداول شد.

به گزارش ایسناف دکتر مهرداد داودی- که حاجی داود جد بزرگ اوست- نیز اشاره دارد که نخستین بار «ابراهیم پورداود» بذر بادام زمینی را به گیلان آورد و استنادش به نوشته‌های خود استاد است: «پورداود بذر بادام زمینی را با خود به ایران آورد و چنانکه در کتاب هرمزد نامه خود نوشته است این محصول را در گیلان نخستین بار در باغ آتشگاه کاشتند و اینک یکی از محصولات مهم گیلان مخصوصاً آستانه اشرفیه بادام زمینی است».

نام دیگر بادام زمینی یعنی پسته شامی ما را به سرزمین‌هایی می‌برد که روزگاری ابراهیم پورداود برای تحصیل به بیروت رفته بود، اما تحفه پورداود در بازگشت، تنها غنا بخشیدن به فرهنگ ایران زمین نبود و اکنون مزارع آبرفتی شهرستان آستانه اشرفیه و بعضاً زمین‌های ماسه‌ای شهرستان‌های لنگرود و لاهیجان نیز زیر کشت دانه‌ای رفته که بذرش را استاد ابراهیم پورداود با خود به ایران آورد.



در گاه شمار دیلم، سال نو از راه می رسد

نوروزبل؛ آغاز سالی به رنگ فرهنگ گیلان



معنای آغاز سال نو و بل به معنای شعله آتش است. بعضی قدمت جشن نوروزبل را به اسطوره فریدون و ضحاک مرتبط می‌دانند و بعضی دیگر این جشن را، جشن برداشت محصول و زمان پرداخت خراج به حکومت (آیین خراجی) می‌نامند.

آیین خراجی در گذشته به این مفهوم بود که گالشان، گندم خود را درو کرده، محصولات خود را به بازار برده و از دام‌های خود محصولات لبنی را به دست آورده‌اند. حال با توانایی پرداخت باج و خراج از طریق فروش محصول، به زندگی خود سامان داده‌اند. از همین رو سال نوی خود را هم در این زمان برگزار می‌کردند. بنابراین این مبداء بر پایه مناسبات تولید و نوع معیشت مردم این خطه، شکل گرفته است.

جشن نوروزبل، آیینی باستانی و کهن در استان گیلان است که ریشه‌های عمیق آن به تاریخ و معیشت مردم این خطه بازمی‌گردد.

به نقل از عصر ایران، به گزارش روزیاتو، این مراسم پرشور و رنگارنگ که شامل خانه‌تکانی، پخت نان‌های محلی، دیدوبازدید و اجرای آیین‌های بومی مانند لافندبازی و کشتی گیله‌مردی است، با برافروختن آتش نوروزی به اوج خود می‌رسد تا با شعله‌ای از نور و امید، زمستان پیش‌رو را شادباش گفته و برای سالی پربرکت طلب خیر و نیکی کنند.

نگاهی به تاریخچه نوروزبل

نوروزبل از ترکیب دو واژه «نوروز» و «بل» ساخته شده است. نوروز به

گیلان فردا، سارا فرزانه- جمعه ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ آغاز سال ۱۶۰۰ در گاه شمار دیلمی است. این رسم قدیمی و دیرینه گیلانیان به عنوان میراثی هنوز نفس می‌کشد و بهانه‌ای است تا بسیاری از علاقمندان به فرهنگ استان در مناطقی از گیلان دور هم جمع شوند و ضمن روایت خاطره‌های قدیم، آئین پدران و مادران خود را گرامی بدارند.

در این آیین گیلانیان قدیمی با روشن کردن آتش، آمدن سال نو را جشن می‌گرفتند و به استقبال سال جدید که از نیمه مرداد شروع می‌شد می‌رفتند.

آشنایی با نوروزبل؛ آیین باستانی گیلانی‌ها و جشن سال نو گالشی در ارتفاعات دیلمان

قدمت جشن نوروزبل

سابقه جشن نوروزبل در گیلان به صدها سال پیش برمی گردد و زمان برگزاری آن، در نیمه آرمرداد (۱۳ الی ۱۷ آرمرداد) است. نوروزبل در عصر آخرین شب سال از تقویم دیلمی، یعنی آخرین روز «اسپندارما» و شب اولین روز سال یعنی «نوروزما» برگزار می شود.

ماه های سال دیلمی: «نوروزما»، «کورچما»، «اریه ما»، «تیرما»، «موردال ما»، «شریرما»، «امیرما»، «آول ما»، «سیاما»، «دیاما»، «ورفته ما» و «اسپندارما» نام دارند.

آیین های جشن نوروزبل

«نوروزبل» مثل نوروز ایرانیان، با خانه تکانی، پخت شیرینی، دید و بازدید، دیده بوسی و شور و شادی همراه است. تمیز کردن خانه ها، پوشیدن لباس های نو، پخت انواع نان های محلی و شیرینی های سنتی و دیدار و احترام بزرگان قوم از رسوم قدیمی این جشن است که تقریباً تا امروز ادامه دارد. جشن نوروزبل یا آغاز سال نوی دیلمی، چند سالی است به شکل نمادین در کوه های دیلمان و املش با حضور وسیعی از گیلانیان و گردشگران برپا می شود. این جشن از سال

۱۳۸۵ تا به امروز، در ارتفاعات دیلمان و یا املش، در قالب جشنی بزرگ، هرساله پررونق تر از سال پیش برگزار می شود.

روستای برگزارکننده جشن نوروزبل

در این روز، گیلانیان از سرتاسر استان و حتی از شهرهای دیگر و گاه از کشورهای دیگر همراه گردشگران علاقه مند به جشن های آیینی، در مکان جشن، دور هم جمع می شوند تا سال نوی گیلانی را با شادی و شگون جشن بگیرند. جشن نوروزبل، معمولاً در منطقه ای وسیع و مرتفع برگزار می شود.

روستای برگزارکننده جشن نوروزبل از چند روز قبل از اجرای مراسم، لبریز از شادی، شور و هیجان است. مردم روستا در تب و تاب برگزاری جشن سال نو، خود را برای ورود گردشگران و مراسم نوروزبل آماده می کنند.

بسیاری از شرکت کنندگان این آیین، چند روز قبل از جشن به آنجا می آیند و در خانه های بومی روستا، اقامت می کنند تا ضمن لذت از فضای طبیعی و بکر و خنکای بیلاق، در جشن سال نوی گیلانی ها هم حضور داشته باشند.

روز جشن

در روز جشن، زنان و دختران با لباس های محلی زیبا و رنگارنگ در غرفه ها، به فروش خوراکی های محلی، صنایع دستی و بافته های پشمی و مانند آن مشغول هستند و با روی خوش به گردشگران خوش آمد گفته و شیرینی و شکلات تعارف می کنند.

نوای ساز و نقاره نوازندگان محلی، صدای خوش خوانندگان گیلانی با عطر نان ها و شیرینی های سنتی در همه هم شادی و خنده گیلانیان و گردشگران، موجی از شور و هیجان سال نو را به هر گردشگری هدیه می دهد.

اجرای نمایش های آیینی

برنامه های جشن نوروزبل پر از رنگ، عطر و صدا های دلنشین است. کنسرت های موسیقی سنتی، آواز خوانی شبانی، نمایش های آیینی جدال نور و ظلمت، رقص های بومی و همچنین بازی ها و آیین های سنتی گیلان مثل: لافتد بازی (طناب بازی)، عروس گوله، کشتی گيله مردی و مانند آن میان شور تشویق شرکت کنندگان، این جشن را لبریز از شادمانی و تازگی می کند.

آتش فروزان نوروزبل

در آغازین ساعات شب، همه شرکت‌کنندگان جشن، دور آتش نوروزی گرد می‌آیند، تا پیوند خود را با طبیعت محکم کنند. گیلک‌ها بر این باور هستند که آتش، کاهش‌دهنده سوز برف و سرماست. بنابراین هنگام غروب خورشید، هیزم‌های آغشته به نفت را شعله‌ور می‌کنند و دورتادور آتش با آواز و شادی به پیشواز سال نو می‌روند، با هم روبوسی کرده و سال نو را شادباش می‌گویند.

در گذشته، روشن کردن آتش توسط سرگالش (بزرگ قوم)، در مرتفع‌ترین قله کوه، برای اعلام سال جدید انجام می‌گرفت تا آغاز فصل کوچ و هدایت دام‌ها به پایین کوه را به دامداران اطلاع دهد.

سرود سال نو

براساس رسم سابق، شرکت‌کنندگان جشن، بر فراز بلندترین نقطه رفته و کوپه‌های آتش را (به تعداد فرد: یک، سه، پنج، هفت) برپا می‌کنند. در این جشن، چند مرد با کلاه و شولای گالشی (لباس بومی کوه‌نشینان گیلان) اطراف آتش می‌چرخند و با نوازنده‌های محلی و مردم سرود سال نو را در ستایش آتش و طلب خیر، نیکی و برکت به صورت جمعی می‌خوانند:

گروم گروم گروم بل (آتشی که با هیبت می‌سوزی) / نوروز ما و نوروز بل (ماه نوروز و شعله‌ی بلند آتش)
نو سال بیی، سال سو (ای سال نو، روشنایی باشی) / نو بدی خونه واشو (فراوانی ببخشی به خانه‌هایمان)

نوزا و بود و وایو (مانند گیاهان نورسته نعمت ببخشی) / امئه

روزی‌تره واشو (برای رزق و روزی ما بارآور شوی)

آتش جزو عناصر چهارگانه طبیعت

مردم کوهستان بر این اعتقاد هستند که اگر دود آتش جشن نوروزبل به طرف کوهستان‌های جنوب (بیلاق) برود، زمستان خوبی در جلگه (قشلاق) خواهند داشت و اگر به طرف جلگه متمایل شود، زمستانی سخت و پربرفی در انتظارشان است. از آن‌جا که آتش جزو عناصر چهارگانه طبیعت و عنصری مقدس است، گالشان، لباس‌های کهنه خود را به نیت پاکی و طلب خیر و نیکی در آتش می‌سوزانند و خود را برای سالی جدید و پربرکت آماده می‌کنند. در پایان مراسم جشن نوروزبل و پس از، مردم با دست‌های پُر، عکس‌های خاطره‌انگیز و دلی مالا مال از شادی آغاز سال نوی گیلانی، به شهر خود باز می‌گردند. (عکس‌ها از اینترنت)



برای ۲۵ سال تلاش حمیده چوبک برای ثبت جهانی دژ الموت؛

تو خود عقاب آشیانه الموت هستی



گیلان فردا-چند روز پیش «قلعه الموت و استحکامات دفاعی وابسته» در چهل و هشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو به عنوان سی امین میراث جهانی به ثبت رسید.

در میان تصاویر و فیلم‌هایی که از این لحظه تاریخی و در میان داوران یونسکو در فضای مجازی منتشر شد، تنها واکنش «دکتر حمیده چوبک» برایم جالب توجه بود. همانطور که ۱۸ سال پیش او را دیده بودم؛ متواضع و فروتن.

ردیف دوم نشسته ای، ردیف اول مختص وزیر میراث فرهنگی و هیات همراه است. وقتی داور نتیجه را اعلام می‌کند، مدیران میراث فرهنگی به آهستگی کف می‌زنند اما هیچ کدام به اندازه تو ذوق زده نیستند، چون هیچکدام به اندازه تو ۲۵ سال از بهترین سال‌های عمر خود را برای کاوش در صعب‌العبورترین دژهایی که در مرز بین قزوین و گیلان قرار دارد، سپری نکرده است.

به همین خاطر یاد مصاحبه‌ای افتادم که خرداد ۱۳۸۷ با دکتر چوبک داشتم و در هفته‌نامه پیام شهر قزوین منتشر شد. بعد از تماس، ساده و صمیمی گفت: استانداری هستم، خودم می‌آیم دفتر نشریه.

آن روزها، سردرب یکی از دژها، از زیر تلی از خاک بیرون آمده بود و دکتر چوبک یک پایش در روستای گازرخان الموت بود و یک پایش در ادارات قزوین تا مراحل اداری کسب مجوز برای ادامه حفاری‌ها را دریافت کند.

در خلال این مصاحبه طولانی، او بیش از آنکه از خود و تلاش‌هایش بگوید، از اعتماد جوامع محلی الموت می‌گفت که باوجود بعضا نظام بسته و مردسالارانه به او به عنوان یک زن اعتماد کرده و با او همکاری می‌کنند. درست در سال‌هایی که خیلی‌ها سرپرستی یک زن و اصولاً باستان‌شناسی زن را به رسمیت نمی‌شناختند، از همکاران خانم خود می‌گفت و دانشجویان باستان‌شناسی که همراه او مشغول حفاری هستند و ۷۰ درصد آنها دختر بودند.

می‌گفت؛ وقتی ارزیابان یونسکو برای بازدید می‌آیند برایشان تعجب‌آور است که چطور ۷۰ درصد همکاران وی دانشجویان زن هستند و هر روز راه صعب‌العبوری را طی می‌کنند که پرتگاه‌های خطرناکی مقابلشان است. آن روزها مسیر دسترسی به گازرخان هم آسان نبود. تا چه رسد به دژهای هفتگانه. او از پرتگاه‌ها و راه‌های صعب‌العبور و پر از گل و لایی می‌گفت که مردها نیز از رفتن به آن امتناع داشتند، ولی دانشجویان دختر باستان‌شناسی بی هیچ شکایتی همراه او به سایت‌های باستان‌شناسی برای کاوش می‌روند. و قدردان تمام آن‌هایی بود که پا به پای او این مسیر خطرناک و پررنج را انتخاب کرده اند.

سخت‌کوشی دکتر چوبک تنها شناساندن دژهای الموت به دنیا نبود، او یک تنه برای صیانت از حریم این قلعه ایستادگی کرد و اجازه نمی‌داد در حریم آن ساخت و ساز صورت گیرد و شاید همین تلاش مداوم و خون دل خوردن‌های چوبک است که امروز دژ الموت را به عنوان میراث جهانی شناسانده و بیش از ۱۵ سال است پرونده ثبت جهانی شهر ماسوله در میان ارزیابان یونسکو دست به دست می‌شود و هنوز الزامات آن اجرایی نشده است.

اگر در گذشته الموت بیشتر به عنوان یک قلعه نظامی شناخته می‌شد، امروز به مدد پژوهش‌های علمی دکتر چوبک و نسلی که او پرورش داد به ارزش واقعی این دژها در نظام پیچیده حکمرانی اسماعیلیان پی می‌بریم. نظامی پر از معماری، مهندسی، مدیریت و کتابخانه‌های قلعه‌ای نفوذ ناپذیر که یک مرکز سازمان یافته سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در زمان خود بود و لرزه بر اندام خلفای مصر می‌انداخت.

دژهایی که امروز در جغرافیای قزوین قرار گرفته، زمانی مرکزی برای فعالیت جنگاوران دیلمی بود مرزی میان گیلان و قزوین و سمبلی از مقاومت نه فقط در برابر هجوم بیگانه که دژی برای استحکام فرهنگ یک سرزمین. و اگر از ترورهای مخوف اسماعیلیان بگذریم، واکنش پیروان حسن صباح، خروشی برای بازپس گیری هویتی بود که از ملت ایران ستانده شده بود. از سویی گسترش زبان فارسی را در صفحات شمالی ایران، مدیون فعالیت و نفوذ همین فرقه فکری هستیم.

۱۸ سال پیش در پایان مصاحبه از دکتر چوبک پرسیدم؛ چرا کاوش در محوطه باستانی «جیرفت» را رها کرده و به الموت آمدید، پاسخ داد: « ۷۸ سال برای خدمت ۲۰ روزه به الموت آمدم و با خانم فاطمه کریمی یکی از باستان‌شناسان باسابقه، حفاری داشتیم. پس از بازنشستگی وی، پیشنهاد او را برای ادامه کار در الموت پذیرفتم. ظاهراً من جزو افراد خوش شانس دنیا بودم که قرعه به نام من افتاد؛ زیرا کسی که در الموت کار کند با وجود شهرت جهانی الموت، به نوعی خود نیز جهانی می‌گردد».

و اکنون دکتر حمیده چوبک، عقاب آشیانه الموت، بود که با پژوهش هایش جهانی شد .

(منبع: پایگاه خبری مرور-مهری شیر محمدی)

(عکس ها از اینترنت)



استاندار در آیین تکریم از اصحاب رسانه گیلان:

رسانه‌ها شریک توسعه و مطالبه‌گر پیشرفت گیلان هستند



گیلان فردا- استاندار گیلان در نشست با اصحاب رسانه تاکید کرد مطالبات استان دقیق، اولویت‌بندی‌شده و متناسب با ظرفیت‌های واقعی کشور تدوین شود.

صبح روز شنبه (۱۷ مرداد) مراسم گرامیداشت روز خبرنگار با حضور استاندار، فرماندار رشت، رئیس کل دادگستری گیلان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان و فعالین عرصه رسانه استان در تالار سپیدار رشت برگزار شد.

به نقل از روابط عمومی استانداری گیلان؛ هادی حق‌شناس استاندار گیلان در نشست با اصحاب رسانه استان به مناسبت روز خبرنگار، با قدردانی از تلاش‌های خبرنگاران و نقش اثرگذار رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی، مطالبه‌گری و شکل‌دهی به افکار

عمومی، گفت: سفر پیش‌روی دولت به گیلان فرصتی مهم برای پیگیری مسائل اساسی استان است و باید با احصای دقیق مشکلات، اولویت‌بندی مطالبات و ارائه بسته‌ای واقع‌بینانه، زمینه حل بخشی از چالش‌های چندساله گیلان را فراهم کنیم. وی با تأکید بر اینکه روز خبرنگار نباید تنها به یک مناسبت تقویمی محدود شود، اظهار کرد: خبرنگاران در طول سال با پیگیری مسائل مردم، انعکاس اقدامات انجام‌شده و نقد سازنده، نقش مهمی در مسیر توسعه جامعه ایفا می‌کنند. استاندار گیلان افزود: هر مطلبی که از سوی رسانه‌ها منتشر می‌شود دارای اثرگذاری اجتماعی است؛ از این رو انتظار می‌رود رسانه‌ها در کنار بیان مشکلات، اقدامات مثبت و ظرفیت‌های استان را نیز معرفی کنند تا ضمن تقویت امید اجتماعی، انگیزه خدمت افزایش یابد.

سفر دولت؛ فرصتی برای حل مسائل اولویت‌دار گیلان

حق شناس با بیان اینکه برای سفر پیش‌روی دولت باید پروژه‌ها و نیازهای واقعی استان با دقت بررسی شود، افزود: در نشست اخیر با مجمع نمایندگان استان، پروژه‌های عمرانی مورد بررسی قرار گرفت و برآورد اولیه نشان می‌دهد برای تکمیل پروژه‌های عمرانی گیلان حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان اعتبار و حدود پنج هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی مورد نیاز است.

استاندار گیلان با تأکید بر ضرورت واقع‌بینی در طرح مطالبات استان تصریح کرد: ارائه فهرست‌های گسترده بدون اولویت‌بندی، امکان پیگیری و تحقق مطالبات را کاهش می‌دهد؛ بنابراین باید مسائل اصلی و اثرگذار استان را مشخص و برای آن‌ها مطالبه‌گری هدفمند داشته باشیم.

وی ادامه داد: گیلان به صدها پروژه پراکنده نیاز ندارد، بلکه باید چند مسئله اساسی و ریشه‌ای استان انتخاب و برای رفع آن‌ها تمرکز شود. همچنین نماینده هر حوزه انتخابیه می‌تواند یک پروژه اولویت‌دار و دارای اثرگذاری منطقه‌ای معرفی کند تا بسته مطالبات استان منسجم و قابل پیگیری باشد.





آب، محیط‌زیست و زیرساخت؛ محور مطالبات ملی گیلان

استاندار گیلان با اشاره به برخی مسائل مهم استان، آب را یکی از اولویت‌های اصلی عنوان کرد و گفت: میزان بارندگی استان در سال جاری حدود ۱۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته و از میانگین بلندمدت نیز کمتر بوده است.

حق‌شناس افزود: مدیریت منابع آب کشاورزی و شرب اهمیت ویژه‌ای دارد و بخش قابل توجهی از آب کشاورزی گیلان از منابع خارج از استان تأمین می‌شود. بنابراین تقویت زیرساخت‌های ذخیره و انتقال آب، به‌ویژه برای اراضی کشاورزی، از ضرورت‌های توسعه پایدار استان است.

وی با اشاره به اهمیت سد سفیدرود در تأمین آب کشاورزی اظهار کرد: وجود زمین کشاورزی زمانی می‌تواند به تولید منجر شود که آب مورد نیاز آن تأمین شود.

استاندار گیلان همچنین ساماندهی فاضلاب و احیای رودخانه‌های گوهررود و زرجوب رشت را از دیگر مطالبات مهم استان دانست و گفت: این موضوع نیازمند نگاه ملی است و تکمیل تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در رشت، بندرانزلی و صومعه‌سرا می‌تواند گام مهمی در کاهش مشکلات زیست‌محیطی باشد.

وی پسماند سراوان را نیز یکی از پیچیده‌ترین مسائل زیست‌محیطی گیلان عنوان کرد و افزود: شرایط طبیعی استان و محدودیت زمین، ضرورت حرکت به سمت تفکیک از مبدأ، پردازش، بازیافت و کاهش دفن زباله را دوچندان کرده است و حل این مسئله نیازمند حمایت ویژه ملی است.

رسانه‌ها؛ شریک توسعه و مطالبه‌گر پیشرفت گیلان

حق‌شناس در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر جایگاه رسانه‌ها در مسیر توسعه استان گفت: رسانه‌ها علاوه بر انعکاس مشکلات، می‌توانند با معرفی ظرفیت‌ها، موفقیت‌ها و اقدامات انجام‌شده، در ایجاد نگاه واقع‌بینانه به آینده گیلان نقش آفرینی کنند.

وی با اشاره به ظرفیت‌های استان در حوزه‌های کشاورزی، گردشگری، صنعت، تجارت و موقعیت جغرافیایی اظهار کرد: توسعه گیلان نیازمند شناخت درست ظرفیت‌ها، برنامه‌ریزی دقیق و تمرکز بر اولویت‌هایی است که بیشترین اثر را بر زندگی مردم دارد.

استاندار گیلان همچنین با اشاره به اهمیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بر رفع گلوگاه‌های ترافیکی، نقاط حادثه‌خیز و مشکلات مسیرهای ارتباطی استان تأکید کرد و گفت: با توجه به حجم بالای سفر و تردد در محورهای شمال کشور، این موضوع باید با نگاه ملی دنبال شود.

وی فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت را ظرفیتی مهم برای توسعه گردشگری و تجارت منطقه دانست و افزود: توسعه ظرفیت‌های پروازی و ارتقای زیرساخت‌های این فرودگاه می‌تواند نقش مؤثری در رونق اقتصادی استان داشته باشد.

حق‌شناس با اشاره به مسئله کاهش جمعیت و ضرورت تأمین مسکن جوانان گفت: فراهم کردن شرایط ازدواج و تشکیل خانواده نیازمند توجه به مسئله زمین و مسکن است و باید متناسب با شرایط خاص استان‌هایی مانند گیلان، راهکارهای مناسب طراحی شود و تصویب طرح بلندمرتبه سازی در شهرهای رشت و بندرانزلی در همین راستا است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: سفر پیش‌روی دولت باید با یک بسته مشخص، واقع‌بینانه و اولویت‌بندی‌شده همراه باشد تا بتوان از این فرصت برای حل مشکلاتی که سال‌ها مردم گیلان با آن مواجه بوده‌اند، استفاده کرد. (عکس‌ها از پرتال اداره ارشاد-طوفان بهداد)





نقش هنر در کاهش خشونت و افزایش همدلی

گیلان فردا، ساناز فرزانه-خشونت همیشه با فریاد و درگیری آغاز نمی‌شود. گاهی از جایی شروع می‌شود که دیگران را نمی‌بینیم، احساساتشان را درک نمی‌کنیم و تصور می‌کنیم تنها نگاه و خواسته ما درست است. جامعه‌ای که در آن گفت‌وگو کمرنگ و تحمل تفاوت‌ها دشوار می‌شود، بیش از هر چیز به راه‌هایی برای بازسازی ارتباط میان انسان‌ها نیاز دارد. یکی از این راه‌ها هنر است؛ زبانی که می‌تواند انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک کند، حتی زمانی که زبان گفت‌وگو از بیان احساسات ناتوان می‌ماند.

هنر خشونت را به‌طور مستقیم از میان نمی‌برد، اما می‌تواند زمینه‌های ذهنی و عاطفی آن را تغییر دهد. انسان از طریق هنر فرصت پیدا می‌کند احساسات خود را بشناسد، آن‌ها را بیان کند و با احساسات دیگران نیز آشنا شود. نقاشی، موسیقی، ادبیات، سینما، تئاتر، هنرهای مدرن و دیگر شاخه‌های متنوع هنری، هر کدام به شکلی ما را با تجربه‌هایی روبه‌رو می‌کنند که ممکن است در زندگی واقعی هرگز فرصت مواجهه با آن‌ها را نداشته باشیم.

وقتی داستان زندگی یک انسان دیگر را می‌خوانیم، برای مدتی جهان را از نگاه او می‌بینیم. ممکن است او با ما تفاوت‌های زیادی داشته باشد. از خانواده و فرهنگ متفاوتی آمده باشد، سبک زندگی دیگری داشته باشد یا حتی دیدگاه‌هایی کاملاً متفاوت با ما داشته باشد. با این حال، داستان می‌تواند به ما نشان دهد که پشت بسیاری از تفاوت‌ها، احساساتی مشترک وجود دارد؛ ترس، شادی، تنهایی، عشق، امید و نیاز به دیده شدن.

این تجربه، همان چیزی است که می‌توان آن را «تمرین همدلی» نامید. هنر به ما یاد می‌دهد پیش از قضاوت کردن، تلاش کنیم دیگری را بفهمیم. شاید یک فیلم یا رمان نتواند اختلاف میان دو انسان را به‌طور کامل حل کند، اما می‌تواند پنجره‌ای به جهان ذهنی دیگری باز کند؛ و گاهی همین پنجره کوچک، آغاز یک تغییر بزرگ است.

شاید هنر نتواند همه خشونت‌های جهان را متوقف کند، اما می‌تواند انسان‌هایی پرورش دهد که پیش از خشونت، گفت‌وگو را انتخاب کنند؛ پیش از قضاوت، گوش بدهند و پیش از طرد کردن، تلاش کنند دیگری را بفهمند.

و شاید جامعه‌ای که در آن مردم بیشتر بتوانند احساس کنند، تخیل کنند و خود را جای دیگری بگذارند، جامعه‌ای باشد که در آن خشونت کمتر و همدلی بیشتر مجال رشد پیدا می‌کند.

روستاهایی که طبیعت را حفظ کرده‌اند

روایت روستاهای سبز گیلان؛ جایی که زندگی و طبیعت هنوز کنار هم نفس می‌کشند



گیلان فردا، سارا فرزانه* - صبح در یک روستای گیلانی زودتر از آدم‌ها بیدار می‌شود. صدای پرندگان محلی، نسیم لابلای شاخساران و چنانچه رودخانه ای نزدیک باشد صدای دلنشی آب، شما را به روزی سرشار از کار و تلاش دعوت می‌کند. در روستا طبیعت، فقط منظره‌ای برای تماشا نیست؛ بخشی از زندگی است. بخشی از اقتصاد، فرهنگ، خاطره و هویت مردم روستا.

گیلان را شاید بتوان یکی از معدود نقاط ایران دانست که در آن فاصله میان «زندگی» و «طبیعت» هنوز آن قدر زیاد نشده است. جنگل، شالیزار، رودخانه، باغ، تالاب و دریا در این استان فقط عناصر یک منظره زیبا نیستند؛ هرکدام بخشی از چرخه زندگی مردم‌اند. با این حال، توسعه ساخت‌وساز، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، افزایش گردشگری و بحران پسماند، آرام‌آرام این رابطه دیرینه را تحت فشار قرار داده است. در چنین شرایطی، بعضی روستاها هنوز تلاش می‌کنند راه دیگری را تجربه کنند؛ راهی که در آن می‌توان زندگی کرد، درآمد داشت، گردشگر پذیرفت و در عین حال طبیعت را قربانی نکرد و سبز باقی ماند.

طبیعت، شریک زندگی روستایی

در بسیاری از روستاهای گیلان، طبیعت چیزی جدا از زندگی مردم نیست. شالیزار تنها یک زمین کشاورزی نیست؛ بخشی از اقتصاد و فرهنگ روستاست. باغ‌های چای و مرکبات، مراتع، رودخانه‌ها و جنگل‌ها نیز هرکدام نقشی در معیشت مردم دارند.

شاید همین وابستگی عمیق باعث شده است که در برخی روستاها، مردم بهتر از هرکس دیگری بدانند تخریب طبیعت در نهایت به زیان خودشان تمام خواهد شد.

وقتی یک رودخانه آلوده می‌شود، فقط یک منظره زیبا از بین نمی‌رود؛ کشاورزی، دامداری و سلامت مردم نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وقتی جنگل عقب می‌نشیند، فقط چند درخت کمتر نمی‌شود؛ آب، خاک و زیستگاه گونه‌های جانوری نیز آسیب می‌بیند.

این نگاه می‌تواند نقطه آغاز مفهوم «روستای سبز» باشد؛ روستایی که توسعه را در مقابل طبیعت قرار نمی‌دهد. روستاهایی که گردشگر را به طبیعت نزدیک می‌کنند، نه اینکه طبیعت را قربانی گردشگر کنند.

گردشگری روستایی در سال‌های اخیر برای بسیاری از روستاهای گیلان به یک فرصت اقتصادی تبدیل شده است. خانه‌های قدیمی، غذاهای محلی، باغ‌ها، شالیزارها، جنگل و چشم‌اندازهای طبیعی، گردشگران بسیاری را به سوی روستاهای استان می‌کشاند. اما گردشگری اگر بدون برنامه باشد، می‌تواند همان طبیعتی را که عامل جذب گردشگر است، از بین ببرد.

روستای سبز روستایی نیست که فقط چند سطل زباله رنگی در کوچه‌هایش داشته باشد. روستای سبز جایی است که ظرفیت طبیعت را می‌شناسد و اجازه نمی‌دهد تعداد گردشگران، ساخت‌وساز یا مصرف منابع از توان محیط بیشتر شود.

در چنین روستاهایی، حفظ معماری بومی، استفاده از محصولات محلی، کاهش مصرف پلاستیک، مدیریت پسماند، حفاظت از منابع آب و مشارکت ساکنان می‌تواند گردشگری را به فرصتی برای حفاظت از طبیعت تبدیل کند.



خانه‌هایی که هنوز با طبیعت قهر نکرده‌اند

یکی از زیبایی‌های روستاهای گیلان، معماری هماهنگ آن‌ها با محیط است. خانه‌هایی که زمانی با مصالح بومی ساخته می‌شدند و شکل آن‌ها با آب‌وهوا و سبک زندگی مردم ارتباط داشت.

اما امروزه ساخت‌وسازهای جدید در بسیاری از نقاط روستایی، چهره طبیعی و معماری سنتی را تغییر داده است. خانه‌هایی با الگوهای شهری، دیوارهای بلند و ساختمان‌های بی‌ارتباط با محیط، جای بخشی از معماری بومی را گرفته‌اند.

حفظ طبیعت فقط به معنای حفظ درختان نیست. حفظ سیمای روستا، معماری بومی، مسیرهای آب، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی نیز بخشی از حفاظت محیط زیست است. روستایی که ساختمان‌هایش با طبیعت هماهنگ باشد، مسیرهای قدیمی آب را حفظ کند، درختان را برای ساخت‌وساز بی‌دلیل قطع نکند و فضای سبز را بخشی از زندگی خود بداند، یک گام به توسعه پایدار نزدیک‌تر است.

زباله؛ آزمون بزرگ روستاهای گردشگرپذیر

شاید هیچ موضوعی به اندازه زباله، رابطه میان گردشگری و محیط زیست را آشکار نکند. گردشگر می‌آید، چند ساعت یا چند روز در روستا می‌ماند و می‌رود؛ اما زباله‌ای که بر جای می‌گذارد ممکن است مدت‌ها باقی بماند. ظرف پلاستیکی کنار رودخانه، کیسه‌ای که در حاشیه جنگل رها شده یا پسماندی که وارد مسیر آب می‌شود، فقط یک منظره نازیبا ایجاد نمی‌کند؛ بخشی از چرخه طبیعی را مختل می‌کند. روستاهایی که توانسته‌اند فرهنگ کاهش تولید زباله، تفکیک، جمع‌آوری و دفع مناسب را جدی بگیرند، در واقع از آینده خود محافظت کرده‌اند.

اینجا نقش مردم بسیار مهم است. محیط زیست روستا را نمی‌توان تنها با دستور و بخشنامه حفظ کرد. طبیعت زمانی حفظ می‌شود که مردم احساس کنند خودشان صاحب آن هستند و سود و زیان حفاظت از آن مستقیماً به زندگی‌شان مربوط است.

از کشاورزی سنتی تا کشاورزی پایدار

یکی دیگر از ظرفیت‌های مهم روستاهای گیلان، کشاورزی است. شالیزارها، باغ‌های چای، مرکبات و محصولات محلی، بخشی از هویت استان را شکل داده‌اند. اما کشاورزی نیز برای ادامه حیات به خاک سالم، آب کافی و تنوع زیستی نیاز دارد. استفاده نادرست از منابع آب و خاک و مصرف بی‌رویه نهاده‌های شیمیایی می‌تواند در بلندمدت همین سرمایه را تهدید کند. کشاورزی پایدار می‌تواند یکی از راه‌های پیوند دوباره اقتصاد روستا با محیط زیست باشد؛ یعنی تولید محصول با کمترین آسیب به خاک و آب و در عین حال ایجاد درآمدی پایدار برای کشاورز. در چنین الگویی، طبیعت مانع توسعه نیست؛ بلکه پایه توسعه است.

مردم؛ مهم‌ترین نگهبانان طبیعت

هیچ برنامه محیط زیستی بدون مشارکت مردم موفق نمی‌شود. این واقعیت در روستاها حتی پررنگ‌تر است. یک روستا زمانی می‌تواند طبیعت خود را حفظ کند که مردم در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. کودکان از همان سال‌های مدرسه با ارزش طبیعت آشنا شوند. دهیاری‌ها برنامه مشخصی برای مدیریت پسماند داشته باشند و گردشگران نیز بدانند مهمان طبیعت هستند، نه مالک آن. گاهی یک اقدام کوچک می‌تواند تأثیری بزرگ داشته باشد. جلوگیری از ریختن زباله در رودخانه، کاشت

یک درخت، حفاظت از یک چشمه، احیای یک باغ قدیمی یا حفظ یک خانه بومی. محیط زیست همیشه با پروژه‌های بزرگ نجات پیدا نمی‌کند. گاهی مجموعه‌ای از رفتارهای کوچک و روزمره است که آینده یک منطقه را تغییر می‌دهد.

گیلان هنوز فرصت دارد

روستاهای گیلان در نقطه‌ای حساس قرار گرفته‌اند. از یک سو، اقتصاد روستایی نیازمند تحول و ایجاد درآمدهای جدید است و از سوی دیگر، طبیعت استان بیش از گذشته تحت فشار قرار دارد. راه‌حل، بازگشت کامل به گذشته نیست؛ همان‌طور که توسعه به معنای کنار گذاشتن طبیعت نیست. راه میانه، توسعه‌ای است که ظرفیت محیط زیست را بشناسد.

روستایی که گردشگر می‌پذیرد، اما ظرفیت خود را می‌شناسد؛ کشاورزی می‌کند، اما آب و خاک را فرسوده نمی‌کند؛ خانه می‌سازد، اما زمین کشاورزی را بی‌دلیل از بین نمی‌برد؛ درآمد ایجاد می‌کند، اما طبیعت را سرمایه یک‌بارمصرف نمی‌بیند، می‌تواند الگویی برای آینده باشد.

میراثی که باید بماند

شاید مهم‌ترین درس روستاهای سبز گیلان این باشد که حفاظت از طبیعت الزاماً به معنای متوقف کردن زندگی نیست. می‌توان در کنار جنگل زندگی کرد، بدون آنکه جنگل را نابود کرد. می‌توان گردشگر پذیرفت، بدون آنکه روستا را به انبوهی از ساختمان و زباله تبدیل کرد. می‌توان کشاورزی کرد، بدون آنکه خاک و آب را قربانی کرد. و می‌توان توسعه یافت، بدون آنکه هویت روستا را از بین برد. گیلان هنوز روستاهایی دارد که در آن‌ها صدای رودخانه از صدای ماشین‌ها بلندتر است، درختان هنوز بخشی از حیاط خانه‌ها هستند و مردم هنوز می‌دانند آب و خاک و جنگل، سرمایه‌ای برای امروز و فرداست. حفظ این روستاها فقط حفظ چند نقطه سبز روی نقشه نیست؛ حفظ بخشی از حافظه و هویت گیلان است. شاید آینده محیط زیست استان، پیش از آنکه در تصمیم‌های بزرگ و پشت میزهای اداری رقم بخورد، در همین روستاها و در رفتار مردمانی شکل بگیرد که هر روز کنار طبیعت زندگی می‌کنند. روستاهایی که طبیعت را حفظ می‌کنند، در حقیقت آینده خودشان را حفظ می‌کنند.



*کارشناس محیط زیست

(عکس‌ها از اینترنت-سایت جاجیگا)

الگوی جدید بنیاد نخبگان، تولید و توسعه محصول اثربخش در چرخه علم و فناوری است



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی-دکتر فرهاد شیرینی، رئیس بنیاد نخبگان استان گیلان، تقویت ارتباط در راستای هم افزایی توانمندی و اثربخشی بین اعضای چرخه علم و فناوری را بسیار مهم خواند و در مورد طرح مدرسه خلاقیت، گفت: از سال ۱۳۹۵ تا کنون که «طرح مدرسه خلاقیت» با هدف استعداد یابی در مناطق محروم در استان شروع شده است، حدود ۶۰۰ نفر از دانش آموزان در این طرح شرکت کردند و از این جمع تا کنون ۳۰ دانش آموز دارای استعداد برتر در گیلان شناسایی شدند.

رئیس بنیاد نخبگان استان گیلان روز یکشنبه (۱۸ مرداد) طی برگزاری جلسه مطبوعاتی با اصحاب رسانه، ضمن گرامیداشت روز خبرنگار با بیان اینکه در گذشته قدرت نظامی و پس از آن ثروت، میزان قدرت یک کشور را مشخص می کرد، گفت: در دنیای کنونی این مولفه تغییر کرده است و اکنون میزان داده درست و چرخش اطلاعات است که یک کشور را قدرتمند می کند و بخش عظیمی از چرخش اطلاعات و افزایش داده در حوزه های مختلف مرهون زحمات خبرنگاران است.

وی فعالیت همکاران رسانه ای مرتبط با بنیاد نخبگان گیلان را بسیار اثربخش قلمداد کرد و گفت: افزایش رشد مخاطبین بنیاد نخبگان، شناسایی استعدادهای برتر در طرح شهید وزوایی، طرح شهید احمدی روشن و نظایر آنف نشان می دهد که جامعه مخاطبین ما هر چه اطلاعات بیشتری داشته باشند، اثربخشی و کارایی آن ها نیز گسترده تر خواهد بود.

دکتر شیرینی اقبال بیشتر از سوی جامعه مخاطب، اساتید، صاحبان ایده و مسئولان به بنیاد نخبگان گیلان را بخشی از ظرفیت سازی رسانه در این حوزه برشمرد و این همکاری را قابل تقدیر دانست.

وی در ادامه با اعلام اینکه اتفاقات بهتری نیز در حوزه علم و فناوری و نخبگانی در حال شکل گرفتن است، خاطرنشان کرد: بیشتر طرح هایی که تا کنون در بنیاد نخبگان اجرا می شد به نوعی فرد محور بوده است. بدین صورت که فرد توانمند و نخبه شناسایی و سپس از آن فرد حمایت می شد. به بیان دیگر اثرگذاری آن فرد در جامعه هدف ممکن بود مغفول بماند یا کمتر توجه شود. اما در الگوی جدید حکمرانی علاوه بر حمایت فردی از شخص نخبه، بخش دیگری از این حمایت نسبت به کارهایی خواهد بود که محصول اثربخش در یک چرخه است و آن هم چرخه علم و فناوری است که مجموعه ای از دانشگاه ها، پارک های علم و فناوری، بنیاد ملی نخبگان، صندوق نوآوری و شکوفایی، مراکز تحقیقی و پژوهشی و ... است و هدف این برنامه ریزی، تقویت ارتباط در راستای هم افزایی توانمندی و اثربخشی بین اعضای این چرخه است. و بنیاد نخبگان با هدایت این استعدادها و هم سو کردن نهادهای مرتبط و مختلف برای ورود به این چرخه تلاش می کند تا اثربخشی نخبگانی برای جامعه افزایش یابد.

وی با اشاره به ارتباط بنیاد نخبگان استان گیلان با دانشگاه ها و دستگاه های اجرایی، در مورد الزامات جذب نخبگان در دستگاه ها به نکاتی اشاره و تاکید کرد: بنیاد به دنبال هم افزایی بین همه نهادهای فعال در حوزه علم و فناوری است.

وی همکاری های مرتبط را در قالب تفاهم نامه با دستگاه های مرتبط و متقاضی جذب نیرو در رشته های اعلامی دستگاه های اجرایی اعلام کرد و گفت: شناسایی همه نخبگان (با محوریت مناطق محروم) در سطح استان و ارتباط با آن ها در قالب طرح شهید وزوایی، در دستور کار بنیاد نخبگان استان است.

وی با ارایه توضیحاتی در خصوص طرح «مدرسه خلاقیت» که تمرکز جدی آن روی دانش آموزان است، گفت: دانش آموزان انتخاب شده در این طرح، تحت برنامه های بنیاد حمایت می شوند و اکنون طرح مدرسه خلاقیت در کوچصفهان و لنگرود انجام شده و برنامه ریزی برای اجرای این طرح در بندرانزلی نیز در جریان است.

وی با تاکید بر اینکه هدف بنیاد فقط استعداد یابی علمی نیست، خاطر نشان کرد: در این طرح دانش آموزان دارای استعدادهای ادبی، هنری و ... نیز می توانند مشمول این برنامه ها شوند.

برنامه «هر شهرستان، یک تقدیر» نیز از دیگر برنامه هایی بود که رئیس بنیاد نخبگان استان گیلان به آن اشاره کرد و گفت: با همکاری فرمانداران این بدعت را پایه گذاری کردیم که از افراد نخبه و توانمند هر شهرستان تقدیر کنیم و تاکنون با حضور مسئولین در آستارا و لاهیجان این طرح را اجرا کردیم و بزودی در صومعه سرا و هفته بعد در املش نیز فردی را که از طریق فرمانداری به بنیاد معرفی می شود، تقدیر خواهیم کرد.

وی هدف از اجرای این طرح را تشویق و ایجاد انگیزه در افراد دارای استعداد در مناطق مختلف و دوردست که دارای ویژگی های خاص علمی، فرهنگی، مقبولیت اجتماعی، اثرگذاری و ... برای شهرشان بوده اند و یا کار اثربخشی را برای عموم مردم ارایه داده اند برشمرد و افزود: از سال ۱۳۹۵ تا کنون که طرح مدرسه خلاقیت با هدف استعداد یابی در مناطق محروم در استان شروع شده است، حدود ۶۰۰ نفر از دانش آموزان در این طرح شرکت کردند و از این جمع تا کنون ۳۰ دانش آموز دارای استعداد برتر شناسایی شدند که تعدادی از آن ها الان در مرحله تحصیلات دانشگاهی بوده و یا فارغ التحصیل شده اند.

وی در همین خصوص گفت: به عنوان نمونه اداراتی مانند کمیته امداد، بنیاد شهید و آموزش و پرورش، دانش آموزانی که حداقل ویژگی های مورد انتظار این طرح را داشته باشند به بنیاد معرفی می کنند. سپس این دانش آموزان وارد دوره هایی می شوند و بعد از طی آزمون هایی چند نفر از میان آن ها انتخاب شده و در مراسمی از آنان تقدیر می شود که در سال های گذشته این مراسم تقدیر مختص این عزیزان بود ولی از دو سه سال اخیر برای تشویق بیشتر این استعدادها، همزمان با مراسم تقدیر از دانشجویان دارای رتبه کنکور و دانشمندان یک درصد جهان، از این دانش آموزان نخبه تجلیل می شود تا انگیزه بیشتری در آنان ایجاد نماید.

وی با بیان اینکه دانش آموزان دارای استعداد برتر مرتبط با طرح مدرسه خلاق در دو سال اخیر تحت پوشش رایگان مشاوره تحصیلی قرار گرفته اند، از پیگیری مسکن نخبگان استان که حالیه در مرحله ثبت نام و امتیاز بندی متقاضی قرار دارد، خبر داد.

دکتر شیرینی همچنین ضمن اعلام این خبر که در راستای تهیه و تدوین زندگینامه بزرگان و فرهیخته گان گیلانی که شهرت ملی و بین المللی دارند به اتمام نگارش و تدوین کتاب زندگینامه دکتر آذر اندامی به عنوان بانوی ناهید و کتاب زندگینامه دکتر مجتهدی با عنوان آقای البرز، خبر داد و گفت: تدوین کتاب زندگینامه دکتر زرگری نیز در مراحل پایانی است و در ادامه تهیه کتاب زندگینامه دیگر مفاخر فرهیخته استان گیلان نیز پیگیری خواهد شد.

(عکس ها: گیلان فردا)



ساماندهی تالاب عینک رشت به عنوان یکی از منحصر به فرد ترین پهنه‌های تالابی کشور که در بافت شهری قرار دارد

احیای تالاب عینک؛ گامی برای بازگرداندن طبیعت به رشت



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی - یک تالاب، یک شهر و یک رویای سبز با عینک خوشبینی...

احیای تالاب عینک یعنی بازگشت زندگی به قلب رشت، بازگشت زندگی به شهری که تاکنون نتوانسته از این نعمت خدادادی و کم نظیر به معنای واقعی حظ و بهره ببرد.

وقتی چند روز پیش از محله دخانیات رشت عبور می کردم، توجه ام به نرده کشی حاشیه تالاب عینک جلب شد. از اینکه بالاخره دارند یک کاری برای اینجا انجام می دهند تعجب کردم! امید که اجرای این طرح جدی گرفته شود و تالاب زیبای عینک به عنوان منطقه گردشگری مهم شهر رشت بدرخشد.

البته تا جایی که یادم می آید همیشه در جلسات مرتبط بر سر این موضوع که متولی تالاب کیست و مالکیت آن با کدام دستگاه اجرایی است، تفرق آراء وجود داشته است. و این باعث می شد که هیچکدام از دستگاه های مرتبط نتوانند وظایف قانونی خود را در راستای حفظ و بهبود وضعیت تالاب عینک به درستی انجام دهند. دستگاهی خود را صاحب پهنه آبی دانسته و آن دیگری معتقد بود مالک پهنه خشکی تالاب است. دستگاه بعدی انتظار داشته نفع مادی و معنوی تالاب مثلا به گردشگری برسد و آن یکی معتقد بوده این نفع مربوط به اداره آب است. محیط زیست و منابع طبیعی هم هر کدام دیدگاه و الزامات قانونی خود را داشته اند. شهرداری هم حرف های زیاد دیگری برای گفتن داشته و دارد. اما چیزی که تا امروز نصیب مردم رشت شده، هیچ است، هیچ! در روزگاری که هر شهروندی آرزو دارد در شهر و دیاری زندگی کند که پهنه آبی داشته

باشد، ما در شهر خود این پهنه آبی را داریم اما چه فایده؛ وقتی قادر نیستیم ظرفیت های بالقوه یک منطقه زیبای طبیعی و توریستی را شکوفا کنیم! تالاب عینک اگر درست مدیریت شود و اگر دستگاه های مرتبط به جای نگاه بخشی با استفاده از ظرفیت های قانونی، مشکلات این تالاب را حل کنند، گام مهم و موثری در بهبود سلامت شهری و اقتصاد شهر رشت خواهد بود.

اما بخشی نگری و رویکردهای چندگانه طی این سال ها که تبدیل به موانع مختلف برای توسعه و بهبود تالاب عینک شده، از نگاه نفر سوم واقعا عجیب است! چون در شهرها، استان ها و کشورهای دیگر نیز پهنه های خشکی و آبی مشابه زیادی وجود دارد که نه تنها به حال خود رها نمی شود بلکه با برنامه ریزی صحیح و با هم افزایی و تسریع در امور مرتبط، موجب درآمدزایی شهروندان و رونق کسب و کارها شده و یک ظرفیت مهم گردشگری و تفرج گاهی شهری قلمداد می شوند.



تالاب عینک؛ تالابی است طبیعی که در منطقه ۴ شهر رشت واقع شده، براساس اطلاعات موجود این تالاب بزرگترین تالاب شهری ایران و دومین تالاب بزرگ استان گیلان است. این تالاب به دلیل آن که در عکس های هوایی شبیه عینک است به این نام خوانده می شود. در منابع مربوطه محیط آن ۱۲ کیلومتر و پهنه آبی آن ۴۴ هکتار و حریم و پهنه ساحلی و خشکی آن ۱۶۳ هکتار ذکر شده است .

گفته می شود تالاب عینک ضمن داشتن ویژگی خاص یک اکوسیستم زنده درون شهری، در مسیر پروازی پرندگان مهاجر قرار گرفته و قابلیت آن را دارد که بخشی از پرندگان مهاجر، این تالاب را به عنوان زیستگاه خود انتخاب کند .

به گواه کارشناسان پوشش گیاهی این تالاب نشان می دهد، این پهنه در قدیم از تنوع و مرغوبیت زیادی بر خوردار بوده که در دهه های گذشته از این پوشش کاسته شده است. از سوی دیگر همین که تالاب عینک این ظرفیت را داشته که زیستگاه

گونه های مختلف جانوری و پناهگاه پرندگان مهاجر باشد نشاندهنده ارزشمندی این تالاب است. هر چند در سال های اخیر پیشروی آفت سنبل آبی در بخش هایی از این پهنه آبی باعث شده تا بسیاری از گونه های آبی این تالاب آسیب ببیند اما هنوز می توان تالاب عینک را نجات داد و آن را به شهر رشت برگرداند. وقتی سابقه و تاریخچه تالاب عینک را مرور می کنیم متوجه می شویم که در فاز اول در سال ۱۳۷۸ پارک دانشجو به مساحت پنج هکتار (سه هکتار آبی و دو هکتار خشکی) در طرح گردشگری عینک رشت احداث شد. در فاز دوم نیز قرار بود طرح گردشگری تالاب عینک رشت، در سطح ۱۶۰ هکتار آبی-خاکی اجرا شود. در این طرح کاربری های زیادی از قبیل هتل، رصدخانه، قایقرانی، ماهیگیری، کمپینگ، فضاهای گردشگری و غیره پیش بینی شده بود. حال این سوال پیش می آید که از آن سال تاکنون در تحقق این برنامه ریزی و هدفگذاری چه اقداماتی انجام شده است؟ کاش مردم و مسئولان واقعا عزم خود را جزم کنند و بخواهند که نبض طبیعت دوباره در تالاب عینک بتپد تا شاید احیای این تالاب، فرصتی برای نجات یکی از زیست بوم های شهری رشت باشد.

•

رحیم شوقی، شهردار رشت در گفت و گو با رسانه ها در خصوص همین پروژه نرده کشی و احیای تالاب عینک گفت: مساحت کلی این پروژه حدود دو هکتار است و در این پروژه اقدامات عمرانی متعددی برای ارتقای منظر شهری و بهبود زیرساخت های تفریحی انجام می شود.

به گفته شهردار بجز نرده کشی حدود ۱۸۵۰ متری دور تا دور این تالاب، نصب ۳۷۰۰ متر مربع کفپوش، احداث مسیر ویژه دوچرخه سواری به طول ۱۸۵۰ متر و پیش بینی ۲۲ دستگاه دوچرخه برای استفاده شهروندان نیز در نظر گرفته شده است.

شهردار با بیان اینکه فراهم کردن ایمنی و امکانات لازم برای حضور شهروندان در تالاب عینک در دستور کار شهرداری قرار دارد، گفت: تلاش می شود تا این منطقه زیبا و موهبت خدادادی، به عنوان یک ظرفیت گردشگری مهم شهری پذیرای شهروندان و مهمانان و مسافران باشد.



لازم به یادآوری است چندی پیش نیز نشست بررسی روند اجرای طرح های بازآفرینی شهری رشت با حضور عضو هیأت مدیره شرکت بازآفرینی شهری ایران، مدیرکل راه و شهرسازی گیلان و شهردار رشت برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، در این نشست، ساماندهی تالاب عینک به عنوان یکی از منحصر به فرد ترین پهنه های تالابی کشور که در بافت شهری قرار دارد، مورد واکاوی قرار گرفت.

شوقی، شهردار رشت با اشاره به اقدامات انجام شده در این تالاب از جمله رفع ۴۸ مورد تصرف، لایروبی ۱۲۵ هزار تن لجن و افزایش سه برابری پهنه آبی، بر ضرورت تخصیص اعتبارات ویژه ملی تأکید کرد.

وی افزود: اجرای رینگ دوچرخه سواری، ایجاد پارک مادر و کودک و آماده سازی بسته های سرمایه گذاری، از جمله اقدامات توسعه ای در این محدوده است، اما برای کنترل گونه های مهاجم و فاز دوم لایروبی، نیاز به منابع مالی پایدار وجود دارد.



•

علیزاده، مدیرکل راه و شهرسازی گیلان نیز با تشریح پیشرفت طرح ۷ کیلومتری محور پیرسرا، خواستار حمایت بیشتر شرکت بازآفرینی برای تکمیل کف سازی و جداره سازی این محور ارتباطی مهم شد.

علیزاده همچنین بر لزوم همکاری دستگاه های ملی برای ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و حل مشکل مالکیت ساکنان این مناطق تأکید و پیشنهاد ایجاد نهاد توسعه محله ای را مطرح کرد.

فریدون بابایی اقدم، عضو هیأت مدیره شرکت بازآفرینی شهری ایران نیز در جمع بندی این بازدید، بر نقش کلیدی شهرداری ها در بازآفرینی بافت های ناکارآمد تأکید کرد.

وی با بیان اینکه اجرای موفق سیاست‌های بازآفرینی شهری مستلزم نهادسازی و هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی است، خواستار استمرار جلسات ستاد بازآفرینی با برنامه‌ریزی دقیق در شهرستان‌ها شد.

و در پایان امیدواریم که مجری، پیمانکار و ناظر، پروژه «احداث رینگ حاشیه پهنه سوم آب‌بندان عینک» را با کیفیت عالی تحویل شهروندان دهند.



نشست چالش‌های روزنامه‌نگاری در گیلان؛

روزنامه‌نگاری، تابع سیاست حکمرانی شده است



گیلان فردا، وحیده اسماعیلی-به مناسبت ۱۷ مرداد روز خبرنگار، نشست چالش‌های روزنامه‌نگاری در گیلان به میزبانی پژوهشکده گیلان‌شناسی در رشت برگزار شد. در این نشست که با حضور جمعی از مدیران مسوول رسانه‌های استان و روزنامه‌نگاران برگزار شد؛ «محمدتقی پوراحمدجکتاجی» مدیرمسوول نشریه گیله‌وا، «محمدکاظم شکوهی راد» مدیرمسوول روزنامه گیلان امروز و «الهام کیانیپور» روزنامه‌نگار پایگاه تحلیلی خبری مرور و پژوهشگر حوزه تاریخ، تجربیات و چالش‌های پیش روی فعالیت رسانه‌ای خبرنگاران استان را تشریح کردند.

نقد نرم مطبوعات در حکمرانی استبدادی

در ابتدا محمدتقی پور احمد جکتاجی با اشاره به اینکه همه روزنامه‌ها براساس اصل ۲۴ قانون اساسی مجازند آزادانه بنویسند و روشنگری کنند منوط به اینکه مخل مبانی اسلام و اجتماعی نباشند، تصریح کرد: همین اصل خود یک تعارض ایجاد می‌کند و اینکه عدول از قانون چگونه تعیین و تشخیص داده می‌شود.

از این رو در زبان روزنامه‌نگاری دو تعبیر وجود دارد؛ تئوری آزادی و استبدادی. لذا روزنامه‌نگاری در هر کشوری تابع سیاست حکمرانی آن پیش می‌رود و اینجاست که ما باید ببینیم جایگاه مطبوعات در کشور ما چگونه تعریف شده و با چه چالش‌هایی مواجه است.

پوراحمد جکتاجی در ادامه با بیان اینکه در تئوری حکمرانی، سیاست‌های فعالیت رسانه‌ای، توسط یک سری از افراد مشخص تعیین می‌شود و مطبوعات ملزم به اجرای آن هستند، اظهار کرد: در این سیاست، گاهی مواقع آزادی نسبی و تعریف شده‌ای برای فعالیت رسانه‌ای پیش‌بینی شده و در مواقعی نیز برخی کنشگری و مطالبه‌گری‌ها به مثابه عبور از خط قرمزها بوده و مطبوعات را با مسایلی مواجه می‌کند. وجود چنین چالش‌هایی موجب می‌شود که مطبوعات در این جوامع شفاف نبوده و وابسته یا مدیحه گو باشند و صرفاً به نشر اخبار اکتفا کنند.

مدیرمسوول نشریه گیله وا در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه فعالیتهای مطبوعات در کشورهای آزاد که خرد جمعی در آنها حاکم و نقش اصلی را دارد براساس شفافیت، و انتقاد و بدون ترس از بیان خطاهای دولتمردان برآمده از مردم پیش می‌رود.



جکتاجی همچنین تصریح کرد: گاهی مواقع در جوامع استبدادی یک آزادی در مطبوعات دیده می‌شود که صاحبان نشریه به صورت نرم و منطقی به انتقاد از دولت و تاثیرگذاری مشغول هستند و در مقابل در کشورهایی که تئوری آزادی در آنها حاکم است برخی از صاحبین و مدیران نشریات خود عامل فساد مزاحمت و سواستفاده هستند.

پوراحمد جکتاجی در ادامه از ۴ رکن صدا، وفا، جفا و بقا به عنوان ضمیر رسانه‌ای خود در طول ۳۵ سال فعالیت یاد کرد و افزود: رکن صدا شامل کلمه و ستون و.. است که برای صاحب نشریه ایجاد تعهد می‌کند وابسته به اینکه در کدام تئوری فعالیت داشته باشد. در گیلان ما با یک جامعه باز، منتقد و سخنگو مواجه هستیم که در عمل پیگیر چالش‌های استان خود نیستند. در چنین جامعه‌ای فعالیت رسانه‌ای و مساله وفای کلمه به روزنامه نگاری و مخاطب حایز اهمیت است. جامعه‌ای که هوشیار باشد با شناخت از تئوری آزادی به مخاطب خود وفادار خواهد بود. اما در مقابل در تئوری استبدادی، جامعه سردرگم است و به مردم خود اعتماد ندارد و ممکن است وفا را با جفا اشتباه بگیرد. دراین بین روزنامه نگاری که صدا نداشته باشد به زردگرایی و مدیحه‌گویی روی می‌آورد و نسبت به مخاطب خود یک رسانه جفا کار تبدیل می‌شود.

در نهایت مطبوعات برای بقای خود مجبور به فعالیت خنثی در جامعه استبدادی خواهند بود و به نقد نرم می‌پردازند. در غیر این صورت از رانت و امتیازات مطبوعاتی محروم خواهند شد و شرط بقا به مدیرمسوول و صاحب نشریه بستگی دارد که چگونه رسانه خود را مدیریت کند .

چالش‌های روزنامه‌نگاری در استان

در ادامه محمدکاظم شکوهی‌راد، مدیرمسوول روزنامه گیلان امروز، اظهار کرد: اگر مقوله روزنامه‌نگاری را پدیده‌ای فرهنگی و در مجموع مشکلات فرهنگی و البته اجتماعی کشور قرار دهیم، به طور طبیعی این مساله باید همچون سایر مسایل فرهنگی

و اجتماعی دیگر در هم تافته و بافته در مسایل کلی فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد که طبعاً بررسی آن مستلزم یک پژوهش علمی و برنامه‌ریزی شده باشد.

وی اضافه کرد: به اعتبار سابقه چند دهه ارتباط با دنیای مطبوعات و ۳۰ سال مدیریت و انتشار روزنامه‌های منطقه‌ای، چالش‌های روزنامه نگاری در استان را در سه بخش تقسیم کرده‌ام:

۱- چالش‌های درونی، ۲- چالش‌های مربوط به نهادهای رسمی و قوانین ۳- چالش‌های مربوط به مخاطب (جامعه)

شکوهی‌راد از نبود سرمایه گذاری و ضعف مالی به عنوان چالش‌های درونی رسانه‌های استان یاد کرد و افزود: این موضوع خود موجب بسیاری از ضعف‌های دیگر است. از جمله ضعف جلب نیروی کارآمد و حرفه‌ای، چالش فنی و عدم مهارت نیروها

و...



وی با بیان اینکه حضور نیروهای غیرحرفه‌ای می‌تواند محیط این رسانه‌ها را به نحوی آلوده کند و از مسیر کار حرفه‌ای خارج سازد و تقید به اخلاق روزنامه‌نگاری را به مخاطره اندازد، افزود: به دلیل ضعفی که در سازمان‌ها و مدیران برخی نهادهای خصوصی و دولتی وجود دارد، شیوه ارتباط رسانه با این نهادها آلوده به فساد و اخاذی و ... شده است. وی با اشاره به اینکه با از دست رفتن مخاطبان رسانه‌ها بخصوص رسانه‌های مکتوب و کاغذی، روزبه‌روز کارایی مطبوعات کاهش یافته و مطبوعات به دلایل مختلف از اخبار تازه و به روز و سریع و صحیح محروم شده است، اظهار کرد: این عامل خود سبب کاهش مخاطبان می‌شود.

مدیرمسئول گیلان امروز، خودسانسوری در مطبوعات را در کاهش تولید خبر مستقل و تولیدات چالش‌انگیز برای مخاطب تاثیر گذار دانست و بیان کرد: این خودسانسوری به دلیل نیاز مطبوعات به حمایت‌های نهادهای رسمی (از طریق آگهی) و محافظه‌کاری برای شکایات به مراجع قضایی-هر چند که این شکایات بی‌ربط و بی‌نتیجه هم باشد، خودبه خود موجب اتلاف وقت و سرگردانی مدیرمسئول در مراکز قضایی می‌شود-موثر خواند.

وی در ادامه به تجربیات خود در فعالیت رسانه ای استان اشاره و تصریح کرد: تجربیات ما در استان تاسف‌انگیز است. اگرچه نهادهای مسوولی مانند استانداری، دادگستری، ارشاد اسلامی، اداره اطلاعات پیوسته کمال مدارا و خویشتن‌داری و سعه صدر را با مطبوعات داشته‌اند لکن برخی نهادهای درجه چندم و برخی مراکز قدرت غیررسمی مطلقا در قبال هیچ انتقادی حتی طرح مسایل جاری خود تحمل ندارند.

شکوهی راد با اشاره به چالش‌های اداری افزود: تولید خبر و تهیه گزارش‌های انتقادی از فعالیت نهادها و حتی حوادث و وقایع طبیعی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی مستلزم حضور بلاواسطه خبرنگار در صحنه و میدان است که متأسفانه بعد از انقلاب هیچ‌یک از نهادهای قضائی، انتظامی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی نه خود را موظف به دادن اطلاعات درست به خبرنگاران می‌دانند و نه اجازه حضور خبرنگار در صحنه حادثه، خبر و پی‌جویی خبر را می‌دهند حتی در حوادث هم در کلانتری و دستگاه قضائی خبرنگار نمی‌تواند راسا حضور پیدا کند و به تحقیق در اطراف خبر بپردازد و خبر را دیر وقت به صورت اداری و پاستوریزه شده! در سایت می‌گذارند و خبرنگار را به سایت ارجاع می‌دهند. چنین اخباری در واقع خبر نیست...

وی در ادامه با بیان اینکه نهادهای صنفی مطبوعات در بی‌عملی مطلق قرار دارند، افزود: مشکل دیگر اداری و حقوقی مطبوعات بی‌خاصیت شدن هیات‌های منصفه مطبوعات است. هیات‌های منصفه‌ای که تا حدی می‌توانستند با درک درست‌تر در کار مطبوعات نقشی داشته باشد اما امروز این نهاد قانونی بی‌خاصیت شده است. در واقع تصمیم این هیات حداکثر می‌تواند جنبه مشورتی با قاضی داشته باشد و الا در تصمیم قضایی نافذ نیست.

شکوهی راد با تأکید به اینکه ارزش هر رسانه به وجود مخاطب و ارتباط مخاطب با رسانه است، تصریح کرد: متأسفانه جامعه ما جامعه‌ای شفاهی است و هیچ‌گاه نتوانسته به طور موثر و وسیع با مطبوعات کاغذی و کتاب ارتباط خوب و موثر پیدا کند وجود شرایط و توسعه تکنولوژی‌های روز هم به طور طبیعی به این مشکل دامن زده است امروز مردم با رسانه‌های مکتوب ارتباط مناسب ندارند و حتی با رسانه‌های مجازی هم در حد مطالعه تیتراهای خبری ارتباط دارند و از خواندن متون بیشتر از ده سطر اجتناب می‌کنند.

وی با بیان اینکه گرانی اجتناب‌ناپذیر مطبوعات و کتاب هم به این معضل افزوده است، گفت: در یک کلام با مجموع مشکلات عمده‌ای که رسانه‌های مکتوب و کاغذی دارند نمی‌توانند تولیدات مناسب و مورد نیاز جامعه را تولید کنند و وقتی کیفیت تولید مطالب هم پایین باشد حتی همین مخاطبان محدود هم رغبتی به خرید مطبوعات ندارند. به یاد داشته باشیم انعکاس اخبار، اطلاعات و مسایل و مشکلات و تصویر واقعی جامعه در فضای مجازی نمی‌تواند به صورت دایمی در دسترس عموم قرار گیرد ولی اگر مطبوعات کاغذی ناچار به تعطیلی شوند در واقع مهم‌ترین اسناد و مدارک دوران زندگی ما و تصویر واقعی زمانه ما را ثبت و ضبط کنند و نسل‌های بعد و محققان و پژوهشگران آینده از این اسناد محروم می‌مانند. و لذا در جامعه ای که اجازه ورود خبرنگاران فعال به صحنه حوادث و محاکم قضایی داده نشود و طی انجام ساز و کارهایی رسانه‌ها را به سمت خود سانسوری سوق می‌دهد چگونه از مردم انتظار داشته باشیم روزنامه خوان باشند و روزنامه خریداری کنند. متأسفانه در استان ما حاشیه امن برای فعالیت و مطالبه‌گری و انتقاد برای رسانه‌های محلی وجود ندارد.



روزنامه نگاران زن در معرض تنش و خود سانسوری

در ادامه این نشست الهام کیانپور، روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ در خصوص موانع فعالیت روزنامه نگاران زن در استان سخنانی ارائه کرد. وی با تصریح به اینکه بسیاری از روزنامه نگاران زن استان به دلایل ناامنی شغلی و قراردادهای کوتاه مدت چشم اندازی از آینده فعالیت رسانه‌ای خود ندارند، افزود: روزنامه نگاری که استرس از دست دادن شغل خود را دارد چگونه قادر است دقیق و مطالعه‌گر در موضوعات و سوژه‌های خبری تامل کند و این درحالیست که تولید گزارشات تحلیلی و تحقیقی نیازمند صرف زمان و مطالعه و پرسشگری است اما به دلیل حق‌التحریرهای پایین انگیزه ادامه فعالیت برای خبرنگاران باقی نمی‌ماند. این روزنامه نگار در ادامه تصریح کرد: زمانی که رسانه نیروی ارزشمند خود را به دلایل مالی از دست می‌دهد در واقع توان رسانه‌ای خود را از دست داده است. و این امر موجب ورود افراد غیر رسانه‌ای به این فضا می‌شود که با استفاده از هوش مصنوعی به تولید محتوا اقدام می‌کنند.

کیانپور در ادامه ساعت کار نامشخص و طولانی و ورود تنش‌های اجتماعی ناشی از فعالیت رسانه‌ای به محیط خانوادگی زنان روزنامه نگار را از مهمترین چالش‌های بانوان خبرنگار عنوان کرد و افزود: این عوامل موجب خود سانسوری روزنامه‌نگاران زن به دلیل ترس از قضاوت شدن گردیده است. به طوری که طبق گزارشات آماری یونسکو دو سوم خبرنگاران زن در جهان در معرض تنش هستند. این درحالیست که همزمان از سوی مخاطبان نیز مورد آماج حملات و توهین‌های جنسی و شخصیتی در فضای مجازی قرار دارند.

وی افزود: وجود و تداوم این چالش‌ها در فضای رسانه‌ای موجب بی‌انگیزگی و جلوگیری از رشد روزنامه نگاران زن و جوان شده است و حال باید پرسیم مدیران رسانه‌ای استان چقدر در بحث آموزش نیروهای جوان ورود کرده‌اند تا در این شغل باقی بمانند. بنابراین آینده روزنامه‌نگاری استان به مدیران مسوول و صاحبین رسانه‌ها در امر تربیت نیروهای جوان و با انگیزه بستگی دارد.

(منبع: پایگاه خبری مرور)

(عکس ها از پرتال پژوهشکده گیلانشناسی)



گیلان فردا- رشت